

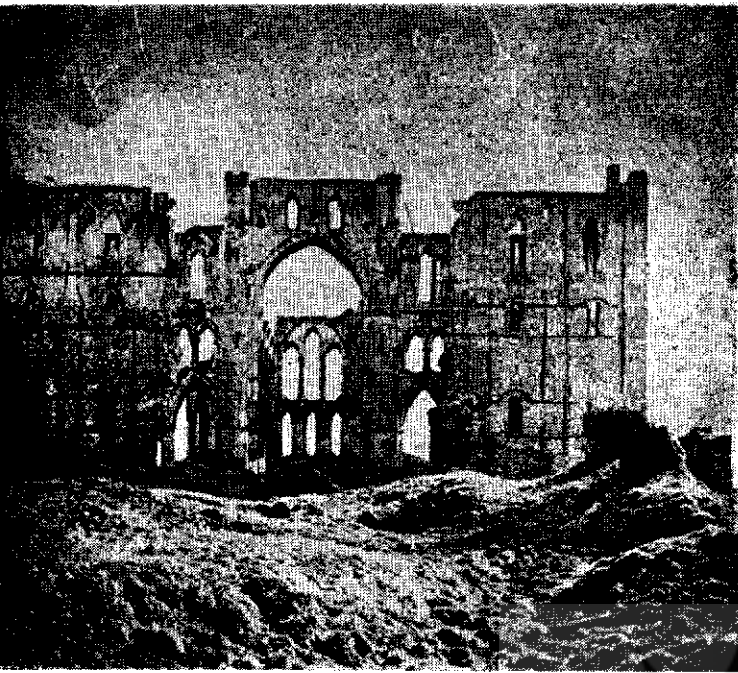
چگونه از ساختمانهای تاریخی نگهداری کنیم

شاید خوانندگان باوفای مجله هنر مردم بیاد داشته باشند که نگارنده در یکی از شماره‌های سال اول انتشار این نامه (شمارهٔ دهم) زیر عنوان: «از آثار باستانی و زیبای کشور خویش نگهداری کنیم» پاره‌ای نکات مربوط به بناها و یادگارهای باارزش ایرانی را مورد بحث قرار داده بود و آرزو کرده بود روزی فرارسد که این آثار آنگونه که باید و شاید مورد توجه قرار گیرد و از آنها در برابر سوانح روزگار نگهداری بعمل آید. از آنروز تاکنون بهبودی شگرفی در این زمینه حاصل شده و توجه خاصی نسبت به این امر معطوف گشته است و جای بسی خوشوقتی است که وزارت فرهنگ و هنر نگهداری و تعمیر این آثار را سرلوحه برنامهٔ خویش قرار داده تا آنجا که در ماهی که گذشت مقام وزارت فرهنگ و هنر با حضور گروهی از بزرگان و فرهنگیان کشور ضمن برنامه ویژه‌ای که برای بازدید از گنبد باشکوه سلطانیه ترتیب یافت اعلام داشتند که برنامه وسیع و دامنه‌داری همانند یک جهاد ملی برای حفظ و صیانت آثار معماری باستانی کشور آغاز گشته است.

شاید انتشار هیچ تازه‌ای این اندازه به قلب مردم هنردوست و میهن‌پرست ایرانی نمی‌نشست و هیچ اقدامی تا این حد غرور ملی هم‌میهنان ما را بر نمی‌انگیخت و دل‌افراد فرهنگ‌دوست این کشور را که بانگرانی تمام هر روز شاهد خرابی و ویرانی آثار باستانی بی‌همتای کشور خویش بودند از شادی لبریز نمی‌ساخت. اکنون که با چنین شور و اشتیاقی از مرحله آرزو و گفتار گذشته و وارد مرحلهٔ عمل و کردار شده‌ایم بنظر رسید که شاید بررسی آنچه در زمینهٔ نگهداری و مرمت آثار باستانی در پاره‌ای کشورهای اروپائی معمول گشته است از نظر آگاهی مردم سرزمین ما بی‌فایده نباشد و توجه به بهره‌گیری از تجربیات پیشماری که در این باره بعمل آمده است بتواند ما را در این راه یاری نماید. و مطالعه امکاناتی که آخرین پیشرفت‌های امر ساختمانی دنیای صنعتی مغرب در اختیار سرپرست‌های نگهداری بناهای تاریخی می‌گذارد بتواند مورد عنایت واقع گردد و آنچه از این تجربیات با امکانات ما سازگاری داشته باشد مورد بحث

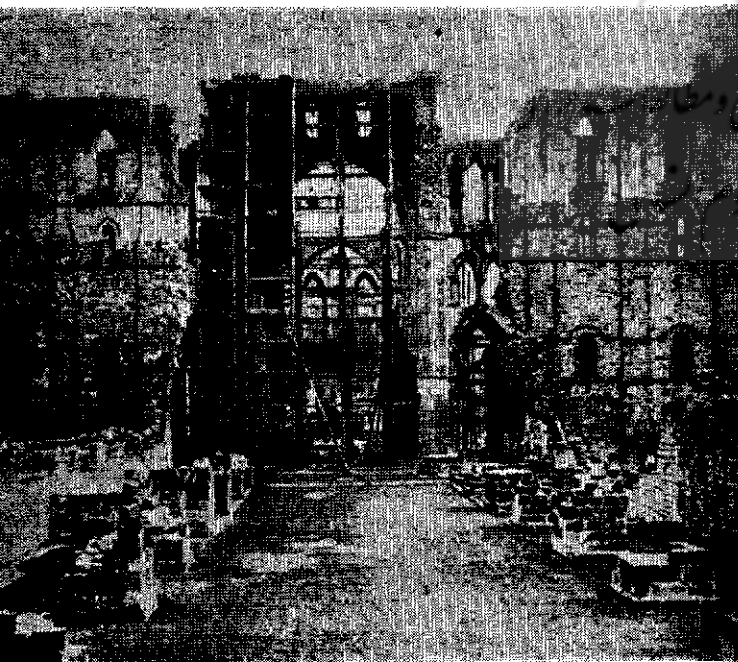
و تحقیق دقیق‌تری قرار گیرد.

نخستین نکته‌ای که در امر تعمیر بناهای باستانی پیش می‌آید آنست که از نظر اسلوب و شیوه چه رویه‌ای را باید پیش گرفت. آیا هنگام تعمیر یک اثر تاریخی باید در نظر داشت که آنچه در معرض انهدام قرار گرفته است درست همانند آنچه بهنگام آبادانی در آن بنا بچشم می‌خورده است دوباره زنده کرد یا آنکه در ترمیم خرابی‌ها باید به بهتر ساختن بنا توجه نمود؟ تا یک قرن پیش کشورهای اروپائی بر اثر نفوذ و گسترش نظریه (Viollet-le-Duc) چنین پذیرفته بودند که هنگام تعمیر یک بنای تاریخی باید همهٔ بخش‌های آن را به شیوهٔ معماری و زینت‌های قرون میانه که بیشتر از «گوتیک» بهره‌گیری میکرد درآورد. این نظریه آنچنان میان باستان‌شناسان و معماران و هنرمندان طرفدار پیدا کرده بود که حتی پاره‌ای بناها را هم که نیازمند به مرمت نبود به این شیوه درمی‌آوردند تا آنجا که بر حسب مثال نمای کلیسای «سن لوران» پاریس را که نمونهٔ زیبایی از دوره رنسانس بشمار میرفت بعنوان آنکه بشیوهٔ «گوتیک» ساخته نشده است ویران کرده و بجای آن یک نمای شیوهٔ کهنه‌تر افزودند و بهمین ترتیب بسیاری از ساختمانهای باشکوه رنسانس از میان رفت. اینگونه تغییرات بر آن نظر استوار بود که معمولاً یک ساختمان تاریخی در دوره‌های گوناگون پدید گشته و بخش‌های مختلف آن به شیوه‌های متنوع بوجود آمده است از اینرو لازمست برای بخشیدن هماهنگی بیشتری به تمامی اثر همه قسمتهای آنرا به شیوهٔ واحد درآورد. ولی کم‌کم در مقابل این گروه عده دیگری پیدا شدند که نه تنها این رویه را نمی‌پسندیدند بلکه اعتقاد آنها بر آن بود که مجموعهٔ یک بنای تاریخی هر چه باشد خود یک حقیقت تاریخی است و باید آنچنان که هست به آن احترام گذاشت و این گروه بر مبنای یک عکس‌العمل طبیعی آنچنان در عقاید خود جلورفتند که اگر بر حسب مثال در یک بنای باستانی بخش بسیار زشت و ناپسندی هم که بهیچوجه نه ارزش هنری داشت نه از نظر شیوه درخور اهمیت بود فرو می‌ریخت بر آن بودند که باید آن بخش را



تصویر ۱ - کشیش‌خانه Reivaulx در انگلستان - چگونگی ساختمان پیش از خاکبرداری

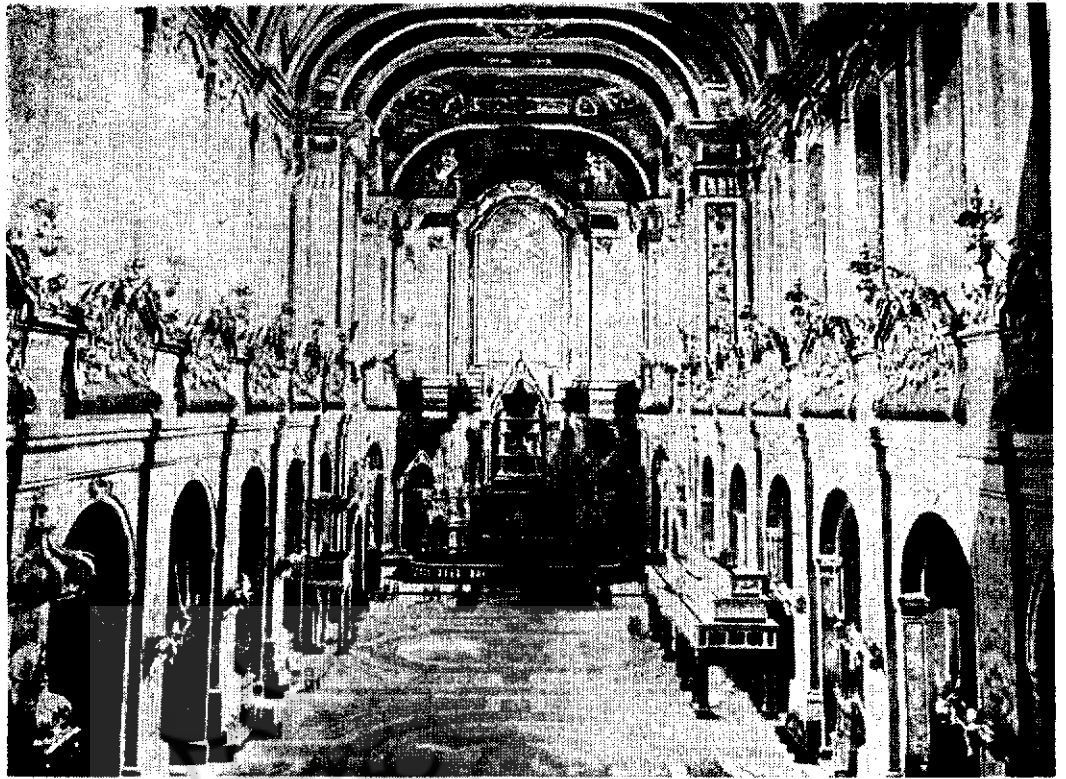
تصویر ۲ - کشیش‌خانه Reivaulx پس از خاکبرداری. در اینگونه تعمیر فقط به محکم‌کاری در دیوارها و یافتن پی‌ها و مشخص ساختن آنها اکتفا میشود



بی‌کم و کسر بحال اول درآورد و این نظریه بدان می‌ماند که اگر مثلاً در یک زمانی یک صورتگر ناشی روی بخشی از یک پرده کار استاد دست برده باشد و آن قسمت از پرده را ضایع ساخته باشد هنگام مرمت بخش‌های گوناگون این اثر بگوئیم همان دست‌بردگی هم خود ارزش و واقعیت تاریخی دارد و باید همچنان آنرا هم بهمانگونه پدید کرد. در هر حال چنین بنظر میرسد که در امر تعمیر و مرمت بناهای باستانی نمیتوان یکباره ذوق و سلیقه را کنار گذاشت و کورکورانه از تاریخ پیروی کرد و همچنین نمیتوان یکباره سلیقه شخصی را جایگزین یک واقعیت تاریخی و باستانی نمود.

ما در ایران بناهایی چون مسجد جامع کهنه اصفهان داریم که خود گویای ده قرن بلکه بیشتر تاریخ معماری در ایرانست و بخش‌های گوناگون آن هر یک بشیوه زمان خود ساخته شده و تزئین شده است و همه آنها بسهم خود دلپسند و زیباست و بعادت همبستگی شیوه در معماری ایرانی ضمن قرون متمادی تعادل و هماهنگی هم در این بنا از میان نرفته است و ما هرگز نمیتوانیم بخود اجازه دهیم در تعمیر این بنا شیوه سلجوقی را بر صفوی و یا صفوی را بر تیموری رجحان دهیم ولی اگر در همین بنا بخشی از کاشیکاریها بکلی از میان رفته باشد و هیچگونه سندی در دست نباشد که از روی آن بتوان به نقش اولیه آن تزئین پی‌برد در آنحال شاید روا باشد هنگام پدید کردن آن بخش با توجه به حفظ هماهنگی در تمامی بنا و کیفیت ممتاز آن که در هر حال بیشتر سلجوقی است تا صفوی آن قسمت را بشیوه معرق عالی درآوریم و از کاشی خشتی که در دوره‌های بعد متداول گشت صرف‌نظر نمائیم. در این چند سال اخیر بر حسب مثال بخشهای گوناگون مدرسه عالی سپهسالار را با ذوق و سلیقه بیکوئی مرمت کرده‌اند و بویژه ایوان جنوبی و بخش زیر گنبد و محراب آنرا با هنرمندی تمام از نو پدید کرده‌اند ولی با آنکه کاشیکاریهای زیبای آن که در آن رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی دلپسندی که ویژه دوره صفوی است بکار رفته از نمونه‌های خوب این فن بشمار میرود با اینهمه چه عیب داشت اگر با توجه به رنگ آمیزی خاص کاشی‌های دوران قاجاریه در این تزئینات از رنگ زرد طلائی و فیروزه‌ای سبزگون و قرمزهای سرخابی که با گلدسته‌ها و سر در این مدرسه هماهنگی بیشتری دارد بهره‌گیری میشد؟

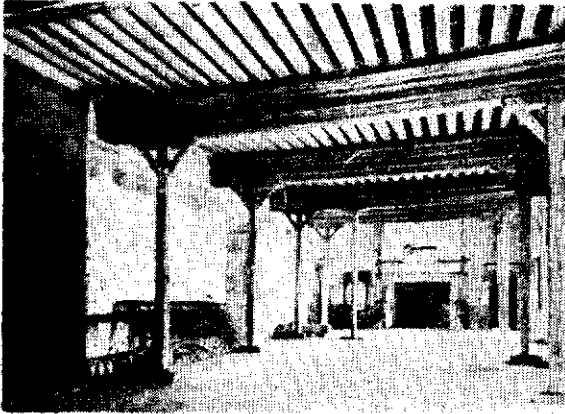
نکته دیگری که در امر تعمیر و تجدید بناهای باستانی پیش می‌آید آنست که پاره‌ای اوقات یک اثر تاریخی بکلی ویران گشته و هنگامی در صدد تعمیر آن بر می‌آیند که فقط چند پی نیمه مانده و توده‌ای بهم انباشته بیشتر از بنا بجای مانده است. آیا باید در اینگونه موارد با توجه به مدارک و اسناد این بنا را درست همانند آنچه در گذشته بوده است بر پا کرد یا آنکه لازمست در ساختن مجدد آن ذوق و سلیقه تازه‌ای بکار برد و مهر قرن



تصویر ۳ - کلیسای سانتاکیارا
در ناپل پیش از آتش سوزی

و هنر باغ آرائی زینت داد و منظره تاریخی زیبا و لطیفی که بیننده را بدنیای رؤیائی قرون ببرد پدید کرد ولی این نظر با آنکه خالی از پاره‌های ملاحظاتی شاعرانه نیست در بسیاری موارد مشکلاتی پدید می‌کند که حل آنها ساده نیست. بر حسب مثال اگر طاق يك بنای باستانی فروریخته باشد و در عین حال دیوارهای این بنا گچ‌بری‌ها و نقاشی‌هایی داشته باشد آیا میتوان اجازه داد که برف و باران و دیگر عوامل طبیعی اندک اندک این آثار هنری را نابود سازد تا ما شاهد يك کهنگی طبیعی و فرسایش و انهدامی باشیم که بداندوسيله شعر زمان را دریافت کنیم؟ حقیقت آنست که بسیاری از اینگونه بناها را که در انگلستان با دست کاری بسیار اندک بحال خویش گذاشته‌اند کلیساهائی هستند که فاقد تزیینات بوده و در عین حال از سنگ و ساروج ساخته شده‌اند بنحوی که میتوان احتمال داد این آثار که بیشتر آنها فاقد پوشش و سقف هستند بهمین گونه قرن‌ها نیز بجای بمانند. یکی از اینگونه آثار کیشیخ‌خانه (Rievaulx) است. هنگامیکه به تعمیر این بنا پرداختند بخشی از دیوارها و هلال‌های يك سمت آن برپا بود ولی ناو مرکزی بکلی منهدم گشته و اثری از آن برجای نبود. در تعمیر این بنا آنچنانکه تصاویر شماره (۱ و ۲) نشان میدهد فقط به خاک برداری و پیدا کردن پایه‌ی‌های این بخش و مرمت بسیار اندک دیوار بجای مانده اکتفا نمودند و آنچه از پی‌ها بجای مانده بود همانگونه نگاهداری

حاضر را بر آن زد؟ در این مورد مردمان پاره‌ای شهرها بعزت دلبستگی به سابقه تاریخی شهر خود علاقمندند چنین بنائی باید از هر جهت همانند آنچه در روزگاران پیش بوده است از نو زنده شود. چنانکه هنگامیکه خواستند برج ناقوس میدان «سن مارک» را در شهر وینز از نو بسازند با توجه بهمین خواست مردم آن برج را با مراجعه به اسناد تاریخی و طرحها و یادگارهای بجای مانده از هر جهت شبیه اصل آن برپا کردند چنانکه اگر بیننده‌ای وقوف بر دوباره سازی این برج نداشته باشد خواهد انگاشت که این اثر همزمان با دیگر برج‌های ناقوس کهنه شهر میباشد ولی البته اهل فن در همه موارد با دوباره سازی بناها با همان مصالح و صد درصد با همان اسلوب پیشین موافق نیستند و در اینگونه موقعیت‌ها گذشته از رعایت احترام عقیده مردمان شهری که اثر تاریخی به آنان تعلق داشته است سنجش هنری و باستانشناسی را نیز بمیان میکشند و فقط در صورت تشخیص ارزش فوق العاده آن ساختمان و با توجه به هماهنگی احتمالی آن با بناهایی که در روزگاران بعد گرداگرد آن پدید شده است ساختن مجدد آنرا آنچنانکه تاریخ نشان میدهد تصویب نمی‌نمایند. از میان کشورهای اروپائی انگلیسی‌ها در امر تعمیر بناهای تاریخی و کلیساهای کشور خویش سلیقه خاصی دارند و آن اینست که معتقدند يك بنای باستانی را باید همچنان مخروبه بحال خویش گذاشت و سعی کرد اطراف آنرا با چمن کاری



تصویر ۵ - کاخ Chateaudun در فرانسه - منظره تالار هنگامی که شمعه‌ها زیر تیرهای حامل قرار دارند



تصویر ۴ - کلیسای سانتا کیارا در ناپل پس از آتش‌سوزی - هنگام تعمیر این کلیسا دیگر طاق متعلق به قرن هیجدهم را که در تصویر شماره ۳ می‌بینیم از نو نساختند بلکه فقط پوشش طرح قدیم را زنده کردند. همچنین تزیینات شیوه باروک دیوارها را نیز کنار گذاشتند

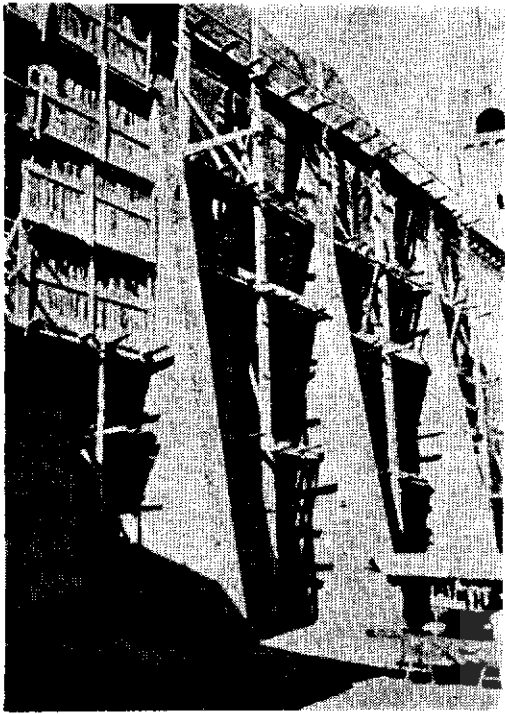


تصویر ۶ - کاخ Chateaudun

درون تیرهای حامل را خالی میکنند که در آنها تیر بولادی قرار دهند

تصویر ۷ - کاخ پس از تعمیر





تصویر ۹ - تالار «ترچنتو» - پشت بندی موقتی



تصویر ۸ - تالار «ترچنتو» پس از ویرانی

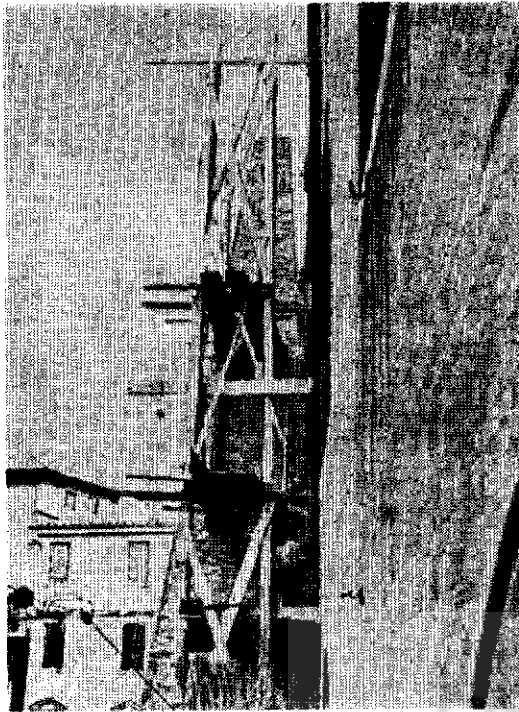
کشور ما توجه به این نکته برای نگاهداری بناهای باستانی جنبه حیاتی دارد. تایک ربع قرن پیش شاید تعداد کسانی که از بنای مشهور منارجنبان اصفهان بازدید میکردند در تمام سال

۱ - درباره آثار سنگی یادآوری نکته‌ای لازم بنظر میرسد و آن بیماری سنگ است.

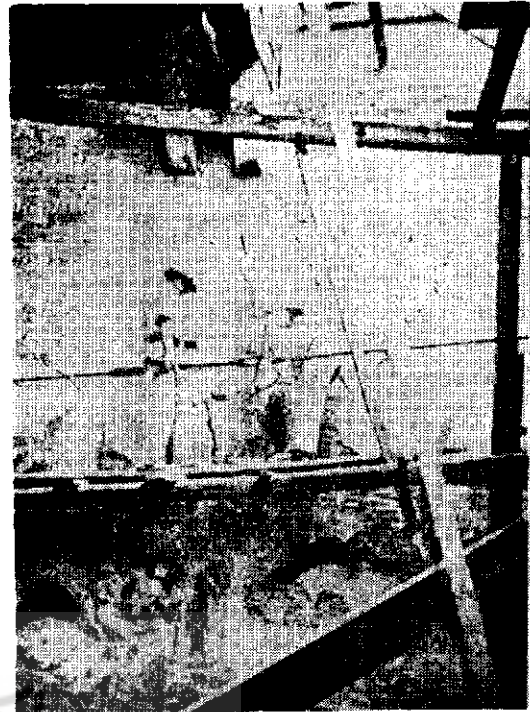
تباهی آثار سنگی بعثت یکنوع مرضی که در سنگ عارض میشود و آنرا میخورد دیرگاهی است مورد توجه باستانشناسان و نگهدارندگان آثار کهن قرار گرفته است. در اثر این بیماری آثار سنگی اندک اندک بصورت ذرات ریزی درآمده و یا ورقه شده از هم متلاشی میگردد. در ایران این بیماری بیشتر در آثار نیم برجسته تخت جمشید مشاهده شده. برای جلوگیری از این عارضه تاکنون راههای پیشماری مورد تجربه قرار گرفته است که رایجترین آن عبارتست از اندود کردن سطح سنگ با محلولی از پارافین و یا (موم و تریباتین) است که در مورد آثار تخت جمشید نیز همین طریقه اخیر بکاررفته است. با آنکه باین تمهید تا اندازه زیادی از جلو رفتن بیماری سنگ پیشگیری میشود ولی پارهای از کارشناسان بر آنند که در این روش با آنکه از نظر ظاهر آثار سنگی محفوظ میماند ولی بعثت جلوگیری از تنفس طبیعی سنگ و بویژه در سنگهای آهنکی پس از زمانی بیماری از درون سنگ را سائیده و یکباره بخشهای بزرگی از آنرا از هم جدا خواهد کرد. چندی پیش که نگارنده با باستانشناس ارجمند ایتالیایی آقای پرفسور «توچی» در اینباره گفتگو میکرد ایشانهم عقیده بالا را تأیید مینمودند. در این اواخر، تجربه‌های تازه‌ای برای مداوای چنین سنگها بوسیله تزریق مواد شیمیائی گوناگون در سنگ جریان دارد و در این زمینه پیشرفتهائی هم نصیب گشته است.

کردند. ولی البته ما در ایران در بسیاری از بناهای خویش نمیتوانیم این رویه را پیش گیریم بویژه آنکه بخش بزرگی از بناهای باستانی ما از آجر و حتی خشت ساخته شده است و اگر کهنگی ناشی از زمان به پارهای مصالح ساختمانی چون سنگ عظمت تازه‌ای بدهد بی شک ویرانی بناهایی که از مصالح ظریفتر ساخته شده است جز برانگیختن حس تأثر زیبایی دیگری در بر ندارد و ما در کشور خویش جز در تخت جمشید و بازار گاد وصفه مسجد سلیمان و دیگر بناهایی از این نوع در دیگر جاها نمیتوانیم از این شیوه پیروی کنیم.

یکی دیگر از نکات بسیار مهم که در روزگار ما بعثت هجوم سیاحان و بازدیدکنندگان به بناهای تاریخی پیش آمده است ویرانی و خرابی سریع تر اینگونه آثار بعثت فرسایش است. در کشورهای اروپائی خیلی زود به این نکته توجه شد و نگهدارندگان بناهای باستانی دریافته‌اند اگر به وسیله‌ای توجه سیل جمعیت را در اینگونه ساختمانها به بخشهای گوناگون که گاهی اوقات لازمست تصنعی بوجود آید معطوف نکنند دیری نمی‌پاید که نگاهداری بنا از نظر استحکام غیر قابل امکان خواهد شد و به این منظور نه تنها به ایجاد باغهای گردش در اطراف بناهای تاریخی و تمرکز وسائل تفریح و سرگرمی در آنها دست زدند بلکه کوشیدند با ایجاد نمایشگاههای موقتی و جالب در مجاورت آثار تاریخی از هجوم سیل جمعیت بدرون بناها بکاهند. در



تصویر ۱۱- تالار «ترچنتو» - مشاهده میشود که هنگامیکه دیوار بجای خویش کشانده شده با پشت‌بند های موقتی چه اندازه فاصله پیدا کرده است

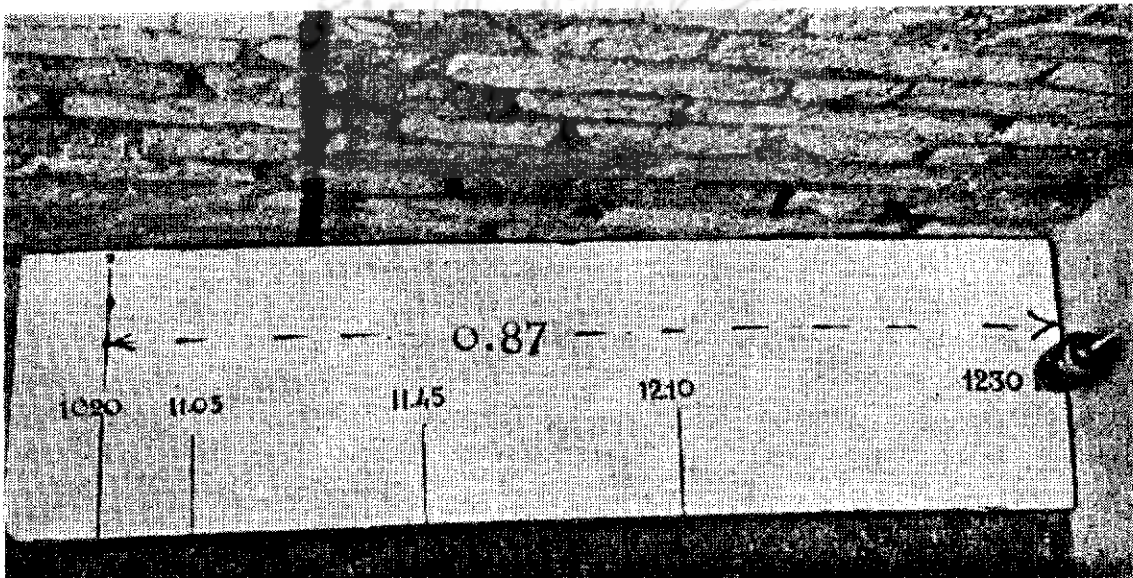


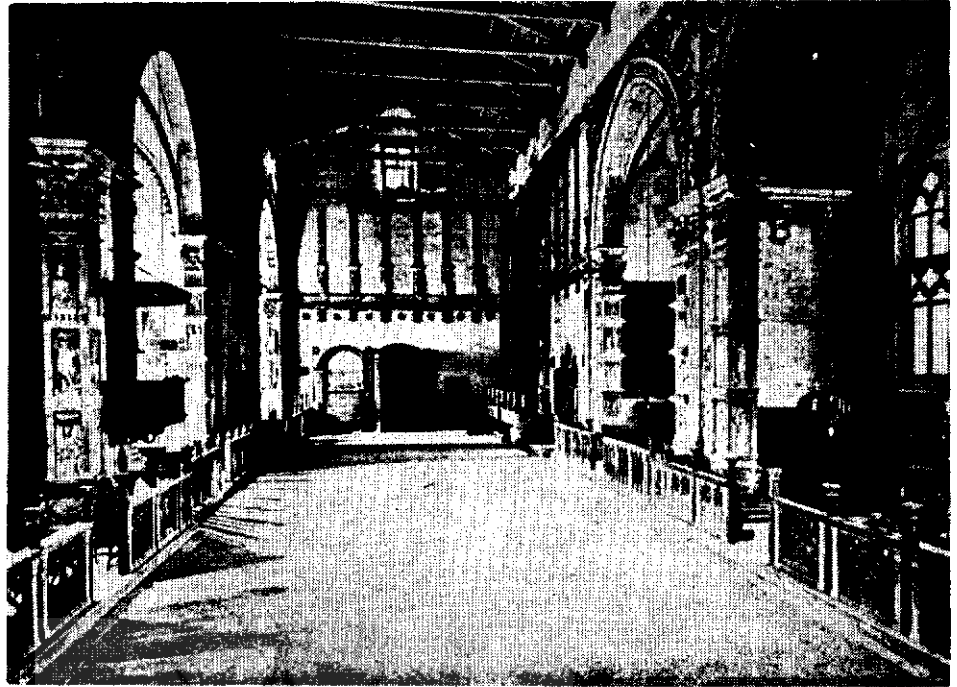
تصویر ۱۰- تالار «ترچنتو» هنگامیکه کشنده را بکار انداخته‌اند

بنا داریم فرسایش روزافزون آنها بعلت بازدید گروه‌های کثیر بی‌شک ویرانی این بنای باستانی را زودرس‌تر خواهد ساخت . درزمینه محکم‌کاری دربناهای باستانی گروهی برآندند

از هزار نفر فراتر نمیرفت ولی امروزه با هجوم سیاحان و کنجکاوان به این اثر تاریخی این رقم صدها بار افزایش یافته است و با همهٔ اعتمادی که به پایداری این مناره‌ها و ایوان این

تصویر ۱۲- تالار ترچنتو - حرکت شاقول در یکی از بخش‌های دیوار که فاصلهٔ جابجا شده را معین میدارد





تصویر ۱۳ - معبد سن فرانسوا
در «ری می نی» ایتالیا - منظره
درون معبد پیش از آسیب - این
پرستشگاه بنام Malatesta نیز
مشهور است

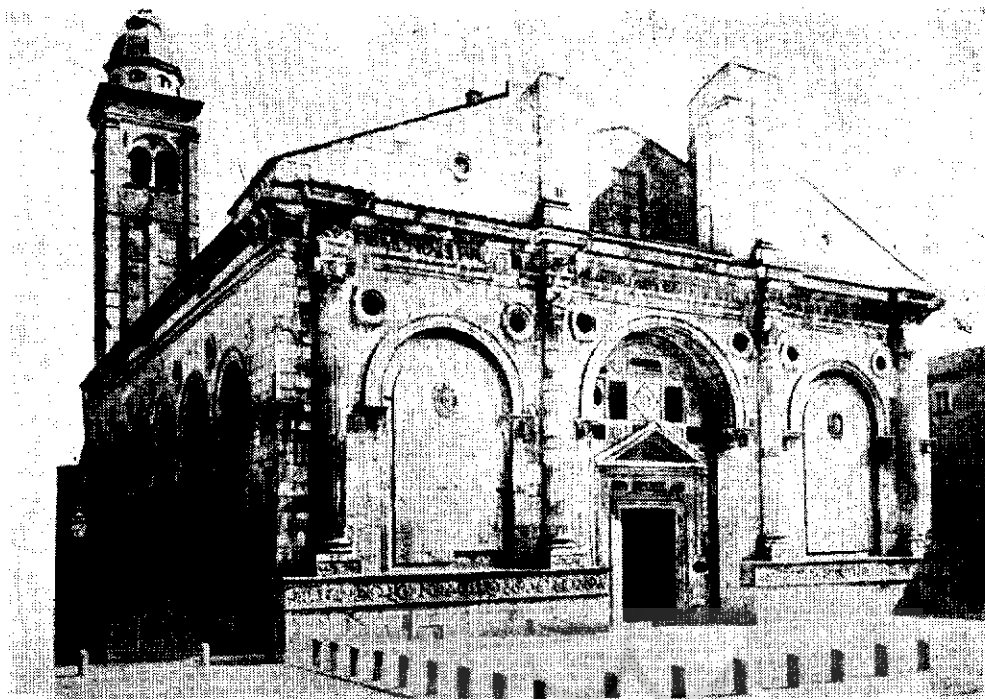
خاصی از تعمیر خطوط برجسته گچی و ویرانی بخش‌های سنگی
و غیر آن باید راه حل مناسبی بفرآخور موقعیت بنا پیش گرفت
و نمیتوان یکباره یک روش را بردیگر روشها ترجیح داد .
اکنونکه پاره‌ای طریقه‌ها را در زمینه حفظ و تعمیر بناهای
باستانی بررسی کردیم خوبست اندکی هم از امکاناتی که دانش
ساختمانی جدید در اختیارمان میگذارد همانگونه که در آغاز این
گفتار یاد کردیم سخن گوئیم و چند نمونه از اقدامات برجسته‌ای
که در این باره بعمل آمده است ذکر نمائیم .

یکی از عللی که در اروپا باعث پیشرفت و توجه بیشتر به
امر تعمیر و مرمت بناهای تاریخی گردید انهدام و ویرانی بسیاری
از این ساختمانها در اثر جنگ بود . از این نمونه‌ها باید نخست
از کلیسای « سانتا کیارا » نام برد . این کلیسا که در آغاز قرن
چهاردهم میلادی بشیوه گوتیک ساخته گشته و سپس در قرن
هجدهم به یک کلیسای « باروک » باطاق هلالی منقوش تبدیل
شده بود (تصویر شماره ۳) در اثر بمباران هوایی جنگ جهانی
اخیر ویران گردید و آتش‌سوزی ناشی از این بمباران نه تنها
سبب فروریختن طاق چوبی نخستین و پوشش نقاشی‌دار درونی
آن گردید بلکه باعث سوختن و آهکی شدن بخش بزرگی از
سنگهای دیوارها شد . (تصویر شماره ۴) و ضمن آن بخش‌هایی
از آثار مربوط به قرن چهاردهم از زیر زینت‌های « باروک » که

که این بخش‌ها باید بطور وضوح مشخص باشد وسیع نگردد
کار نو را کهنه جلوه داد و در این امر باتوجه به احترام گذاری
به خطوط اصلی بنا و هیئت اولیه آن و بی آنکه هماهنگی ساختمان
از دست برود بخش‌های نوساز را بطور آشکارا با سادگی هر چه
تمامتر کنار بخش‌های کهنه قرارداد و از این دوگانگی نهراسید
زیرا هیچ عاملی در زمینه زیباشناسی آثار هنری پیش از دریافت
گول‌خوردگی و دروغ در بیننده ایجاد یأس نمی‌نماید .

برحسب مثال اگر یکی از پایه‌های یک بنای سلجوقی که
بر روی ملاط میان آجرها مهر مشخص خود را دارد ویران
شده و نیازمند به تعمیر باشد هیچ عیبی نخواهد داشت که این
بخش را با آجرهای نو تعمیر کرد و ملاط را هم بحال خویش
گذاشت و از تقلید مهر زمان سلجوقی خودداری کرد زیرا
در اینگونه تعمیرات هدف نهائی پیش‌گیری از انهدام بخشهای
باقیمانده بناست نه تقلید بخش کهنه که البته در زمینه هر مورد

۲ - بنابه اطلاعاتی که آقای مهندس سیحون در اختیار نگارنده
گذاشتند در تعمیراتی که در این اواخر بوسیله هیئت ایتالیایی در پاره‌ای
نیم برجسته‌های تخت‌جمشید بعمل آمده رعایت کامل نکات فنی شده
و بخش‌های تعمیر شده گرچه از نظر کلی طرح عمومی نقوش سنگهار باخاطر
می‌آورد در آنها سعی شده است بخش‌های نو کاملاً از قسمت‌های کهنه
مشخص باشد .



تصویر ۶۴ - معبد سن-
فرانسوا در «ری می نی»
ایتالیا - نمای معبد
پیش از آسیب

از مواردیکه هنگام تعمیر بناهای باستانی با مشکل بسیار همراه است و نیازمند به دقت و مراقبت زیاد است هنگامی است که بخواهند طاق بنائی را که تیرها و قاب بندی آن از درون هویدا و مزین به نقاشی است و چوبهای بکاررفته پوسیده شده مرمت نمایند. در این مورد آقای پروفیسور «Hempel» مبتکر شیوه‌ای شخصی است: در این روش پس از آنکه بخش زیرین چوب‌ها را از آلودگی‌ها ستردند روی آنها را با کاغذ قیراندود می‌پوشانند و آنگاه طاق سیمان مسلحی که عوامل آن با فاصله‌های یک متر از هم در دیوارهای بنا جایگرفته باشد روی آن پدید میکنند و طاق چوبی را با پیچ‌هایی که از بالا در طاق سیمانی استوار شده است به پوشش جدید پیوسته می‌سازند و باین ترتیب از این پس طاق چوبی اصلی نه تنها باری را تحمل نمیکند بلکه وجود پوشش سیمانی تازه دیوارهای بنا را بیکدیگر پیوند بیشتری میدهد و چنانچه در چنین ساختمانی طبقه‌های دیگری نیز موجود باشد استواری آنها را قطعی‌تر می‌سازد. از اینگونه تعمیر میتوان مثالهای بیشماری ذکر کرد که از همه جالب‌تر شاید تغییرات و محکم‌کاریهایی باشد که در یکی از تالارهای کاخی در (Chateaudun) بعمل آمده است.

در قرون بعد انجام شده بود بیرون آمد. هنگامیکه تعمیر این بنا آغاز گردید برای سرپرستان مربوط روشن بود که دوباره زنده کردن کلیسا آنگونه که پیش از حریق بوده است کاری امکان‌ناپذیر می‌نماید از اینرو توجه آنها بدان گرایش یافت که کلیسا را بصورت آنچه در آغاز یعنی پیش از تغییرات قرن هجدهم بوده است، در آورند. خوشبختانه دیوارهای جانبی کلیسا متزلزل نگشته و توانائی تحمل طاق تازه را از دست نداده بود ولی در این هنگام بجای آنکه پوشش تازه را مانند گذشته از چوب بسازند درست همان طرح قدیمی را که اسناد موجود بخوبی نشان میداد با سیمان مسلح بوجود آوردند و این پوشش که طرح ساختمانی آن از درون کلیسا دیده میشود بعلت بلندی سقف که در حدود ۳۴ متر می‌باشد از هر جهت بچشم بیننده معرف پوشش اولیه است و باین ترتیب نه تنها موفق گشتند حالت اولیه کلیسا را زنده نمایند بلکه با استفاده از هم بستگی که طاق تازه به دیوارهای کلیسا میداد به پیوند آنها بیکدیگر نیز کمک شد. در پاره‌ای کشورها در اینگونه موارد و بویژه هنگامیکه دیوارهای بنای آسیب‌دیده نتواند تحمل بار پوشش سیمانی را بنماید طاق‌هایی با دوشیب از تیغه‌های نازک ولی بادوام پولادی پدید کرده‌اند.

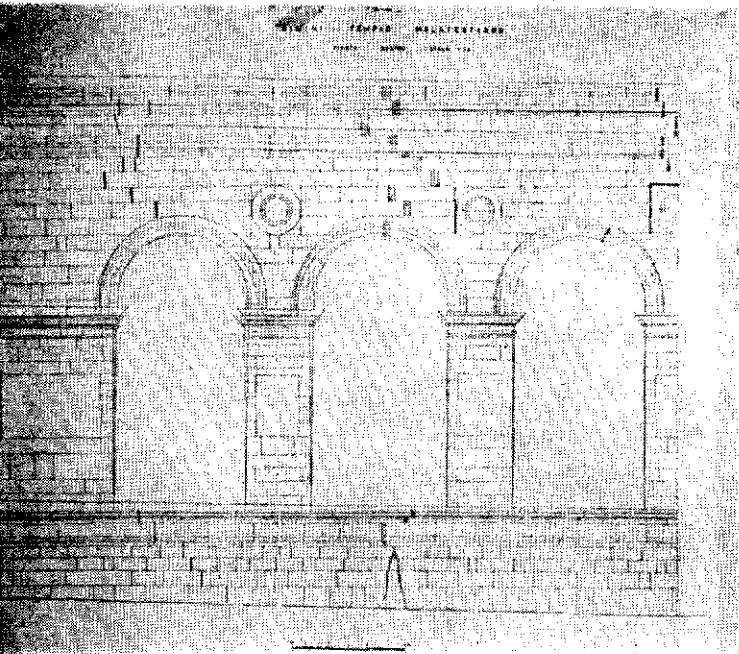


تصویر ۱۵ - معبد سن فرانسوا در «ری می نی» ایتالیا - درون معبد پس از ویرانی

فرانسواد «ری می نی» اثر آلبرتی یاد کرد. در نگاه اول چنین بنظر میرسد که نمای زیبای این بنا و دیوارهای پهلوئی آن جز شکستگی پاره‌ای از سنگهای آن زیانی ندیده است ولی دیدگان بینای خبرگان ساختمانهای باستانی تغییر شکل‌های زنده‌ای در بنا مشاهده می‌کرد که بهیچوجه نمیتوانستند خود را قانع سازند آنها را بحال خود واگذارند و فقط به تعمیر سنگهای شکسته پردازند. در حقیقت شکل هندسی بسیار خوش تناسب این اثر قابل توجه در اثر تکان خوردگی‌های نامحسوس ولی بیشماری دگرگون گشته و هیكل نخستین خود را از دست داده بود به نحوی که هنگام بازرسی متوجه شدند که پاره‌ای از بخش‌های نما و دیوارهای پهلوئی در حدود سی سانتیمتر از جای خویش پائین تر آمده و در پاره‌ای جاها بویژه در بخش بالای دیوارها پیش آمدگی‌های زیادی پدید گشته است. در آغاز بر آن شدند که فقط به اصلاح بخش‌های گفته شده و محکم کاری در پایه بنا

در این تالار در سالهای بسیار پس از ساختن آن ستونهای چوبی بی‌قواره وزشت و پوسیده‌ای بعنوان آنچه در معماری «شمع» نامیده میشود برای محکم ساختن و جلوگیری از انهدام آن زیرطاق اصلی افزوده بودند (تصویر شماره ۵) که لازم بود آنها را برداشت ولی نکته در اینجا بود که همین ستونهای چوبی تا اندازه‌ای تحمل بار الوارهای تشکیل دهنده پوشش را می‌نمود و می‌بایست پیش از برداشتن آنها همان الوارها و تیرهای پوشش را استواری بیشتری بخشند ضمناً نظر آن بود که در هر صورت طرح کلی و برجستگی آنها از درون هویدا باشد. برای انجام این منظور پس از مطالعات بسیار بدین نتیجه رسیدند که باید بهر وسیله‌ای باشد این تیرهای حمال را از برین باری که بعهده آنهاست رها سازند و در انجام این نظر با دقت بسیار درون هر یک از آنها را خالی کرده و در آن تیر پولادی بابرش خاصی جای دادند و بدین طریق و با این شیوه هنرمندانه موفق گشتند به تالار همان هیئت اولیه را باز بخشند. (تصاویر ۶ و ۷). یکی دیگر از موارد بسیار مهم در تعمیر بناهای باستانی برگرداندن دیوارهای خم شده و یا جابجا گشته بحال نخستین است که بعلت پاره‌ای حوادث از زمین لرزه یا بمبارانها تعادل خود را از دست داده‌اند یا آنکه بمرور زمان از مرکز ثقل اولیه منحرف شده‌اند. مهمترین نمونه انجام شده‌ای که در این مورد میتوان یاد کرد و شاید یکی از مشکل‌ترین تعمیرات بناهای باستانی بوده است استوار ساختن دیوارهای تالار «ترچنتو» که در حدود شش قرن پیش ساخته شده و در شهر «ترویز» ایتالیاست، میباشد. انفجار تعدادی بمب در این کاخ پاره‌ای از دیوارهای تالار را تکان داده و آنها را خم ساخته بود و این خمیدگی و انحراف از خط شاقولی در پاره‌ای بخش‌ها از یکمتر فراتر میرفت. چنانچه این دیوارها مزین به نقاشی نبود بی‌شک آنها را خراب ساخته و از نو آنها را بوجود می‌آورد ولی نکته مهم اینجا بود که دولت ایتالیا بهیچوجه راضی نبود به این نقاشیها آسیبی برسد از اینرو عقیده همگان بر آن قرار گرفت که باید بهر قیمتی شده این دیوارها را بحال خود برگرداند. بدین منظور نخستین اقدامی که بعمل آمد آن بود که ابتدا پشت این دیوارها پشت‌بند (شمع)‌های موقتی از آجر بنا کنند و سپس با استفاده از کشنده‌های پولادین اندک اندک دیوارها را بجای نخستین باز آورند. بدین منظوریك سر این کشنده‌ها را در بخش پائین دیوار جهت مخالف محکم می‌ساختند و سر دیگر آنرا با توسل به الوارهای قطور در بخشی که لازم بود کشیده شود کار می‌گذاشتند و آنگاه با حوصله تمام کار را بانجام میرساندند (تصاویر ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲). بدیهی است که پس از پایان کار پی‌های دیوار با سیمان محکم ساخته و سپس کشنده‌ها را باز می‌کردند.

همچنین در همین زمینه جابجا شدن دیوارها باید از یکی از مشهورترین ساختمانهای رنسانس ایتالیا یعنی کلیسای سن -



تصویر ۱۷ - معبد سن فرانسوا در «ری می نی» ایتالیا - هنگامیکه دوطرح نما را که حالت صحیح و یکی وضع فعلی را نشان میداد روی هم قرار دادند معلوم گشت چه اندازه پاره‌ای عوامل از جای خود تکان خورده است



تصویر ۱۶ - معبد سن فرانسوا در «ری می نی» ایتالیا - یکی از پهلوی‌های پرستشگاه پس از آسیب

تقسیم شده بود و لازم می‌آمد برای بند زدن هر يك از آنها بیکدیگر بایندهای مسی و تپانه مدت‌ها صرف وقت گردد. هنگامی که این تعمیر شگرف بپایان رسید همه اعتراف کردند که شاهکار آلبرتی بی‌کم و کسر از نو زنده شده است (تصاویر ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹).

همانگونه که ملاحظه میشود تعمیر و نگاهداری بناهای باستانی نیازمند بهره‌گیری از همه امکاناتی است که فنون و صنایع جدید در اختیار مردم عصر ما گذاشته است چنانکه اقداماتی را که در زیر یاد میکنیم و برای حفاظت کلیسای « سنت آن » در ورشو بعمل آمده است یکی دیگر از اینگونه بهره‌گیری‌ها را نشان میدهد. این کلیسا که از قرن پانزدهم میلادی بجای مانده است روی شیب‌هایی که مشرف به رودخانه و بستول است قرار دارد. در این اواخر متوجه شدند که شکافهای ژرفی در دیوارها و طاقها و سنگفرش‌های این کلیسا پدید شده و با کاوش بیشتر دریافتند که زمینی که کلیسا بر روی آن ساخته شده است بوسیله نفوذ آب سست گشته و طبقه شنی واقع در زیر طبقه خاک از جای خویش بحرکت آمده و کلیسارا با خود بسوی سرایشی میکشاند. بزودی فعالیت در دو جهت آغاز گشت. یکی محکم ساختن بخش سرایشی برای ممانعت از لغزش زمین و دیگری جلوگیری

پیردازند ولی بزودی روشن گشت که این اقدام برای برگرداندن ساختمان بحال اصلی کافی نیست و لازمست همه قطعه سنگهای تشکیل دهنده آن را از جای فعلی خود برداشته و سپس بحالت نخستین قرارداد و این عقیده بی‌چون و چرا مورد تصویب همگی کارشناسان قرار گرفت. از آنجا که انجام اینکار مستلزم وقت فراوان بود لازم آمد که برای هر يك از نماها دوطرح شامل همه قطعه سنگها تهیه گردد. یکی از این طرحها مکان اولیه قطعات و دیگری حال فعلی آنرا نشان میداد بوجهی که هنگام رویهم قراردادن آنها جابجاشدن هر بخش و هر قطعه روشن میگشت. و باین شیوه موفق گشتند هر بخش را با بازرسی دقیق بی‌آنکه سرموئی پس و پیش باشد بجای خویش قرار دهند. برای آنکه بهتر به اهمیت این اقدام پی‌بریم باید یاد آور بشویم که بسیاری از قطعات سنگی دیوارها گذشته از جابجاشدن دستخوش انهدام نیز قرار گرفته و پاره‌ای از آنها به بیش از بیست پارچه

از ایجاد شکاف‌های تازه در دیوارها و پی‌ها و برای این منظور هیئتی مرکب از موزه‌داران، زمین‌شناسان، مهندسان مقاومت مصالح و نقشه‌برداران زیر نظر مدیرمسئول آغاز بکار نموده و یکروز برنامه عملیات را طرح‌ریزی نمود. نخست برای محکم ساختن بخش پائین سراسیبهی ساختن دیواری از بتون مسلح به پهنای ۴ متر و بلندی ۶ و طول ۵۰ متر آغاز گشت و سپس دور دیف پی پولادین یکی نزدیک کلیسا و دیگری در محل سراسیبهی برای پیش‌گیری بیشتر در زمین‌فرو بردند و بموازات این اقدامات برای محکم ساختن پی به خشکاندن بخش‌های مرطوب خاک رس و شن زیر کلیسا و اطراف آن پرداخته و ضمناً در تمام قسمتهای پی با فاصله یک متر و نیم از یکدیگر مالات سیمانی را تا عمق هشت متر با فشار داخل کردند.

همزمان با این عملیات به ترمیم شکافها پرداخته و برای پیش‌گیری از هرگونه لغزش اطراف همه ساختمان را در زرفای کمی از سطح زمین در کمربندی از بتون مسلح به سیم‌های پولادین که قدرت کشش آنها به دوهزار کیلوگرم در سانتیمتر مربع میرسد مهار نمودند و باین طریق کلیسا از سرنوشت شوم خویش که لغزش و فرو ریختگی حتمی بسوی سرازیریهای رودخانه بود نجات یافت.

بحث در مورد همه اقدامات گوناگونی که در زمینه نجات آثار باستانی از ویرانی بعمل آمده است و تجربیاتی که میتواند به ما در موارد همانند الهام بخشد این گفتار را ملال‌انگیز خواهد ساخت. اگر همین نمونه‌ها که یاد شد بتواند معماران هنرمند و مهندسان با ذوق و اندیشمند ایرانی را که صاحب‌نظران این مقال بشمار می‌روند برانگیزد که بخشی از کوششهای خویش را به مطالعه در نگاهداری بناهای زیبا و باستانی کشور بزرگ ما که از این نظر در دنیا مقام والاّی دارد معطوف سازند و مردم هنردوست ما را به بزرگی وظیفه‌ای که در این زمینه در مقابل تاریخ دارند توجه دهد نتیجه‌ای که از نوشتن این سطور در نظر بوده از هم‌اکنون حاصل گشته است. همچنین مبالغ هنگفتی که مردمان کشورهای گوناگون دنیا به نگاهداری بناهای باستانی کشور خویش تخصیص میدهند گویای اعتبار و اهمیتی است که برای اینگونه ساختمانها قائلند در صورتیکه در مقام مقایسه بیشتر ساختمانهای باستانی ما هم از نظر قدمت و زیبایی و ارزش هنری بر بناهای باستانی دیگر کشورها رجحان دارد و هم از نظر شمار از آنها فراتر می‌رود و با یادآوری این نکته که این آثار بعثت کهنه‌تر بودن و فرسودگی به مراقبت و صرف هزینه‌های بیشتر نیازمند است توجه خاصی که لازمست به این امر معطوف گردد روشن‌تر میشود. جای تردید نیست که هرگونه هزینه‌ای در این راه بمصرف پرسد نه تنها از نظر حفظ حیثیت ملی درخور تحسین است بلکه به بالابردن درآمد کشور از طریق جلب سیاح و دیگر امکانات کمک فراوان خواهد نمود.



تصویر ۱۸ - معبد سن فرانسوا در «ری‌می‌نی» ایتالیا - تعمیر یکی از قطعات زردها

تصویر ۱۹ - معبد سن فرانسوا در «ری‌می‌نی» ایتالیا - همانگونه که ملاحظه میشود تمام قطعات سنگ بکاررفته در نما شماره‌گذاری شده تا جای اصلی هر یک هنگام دوباره سازی مشخص باشد

